

## بسمه تعالی

شاخص ها	واحد اندازه گیری	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵
جمعیت ده ساله و بیشتر	هزار نفر	۶۲۴۳۷	۶۲۷۱۲	۶۳۳۵۶	۶۴۰۱۷	۶۴۶۶۳	۶۵۴۵۹
جمعیت فعال	هزار نفر	۲۳۳۸۷	۲۳۴۷۶	۲۳۸۳۵	۲۳۸۱۸	۲۴۷۰۱	۲۵۷۹۱
تغییرات سالانه	هزار نفر	-۴۸۷	۸۸	۳۵۸	-۱۶	۸۸۳	۱۰۹۰
تعداد بیکاران	هزار نفر	۲۸۷۸	۲۸۴۸	۲۴۸۸	۲۵۱۴	۲۷۲۹	۳۲۰۳
تغییرات سالانه	هزار نفر	-۳۴۰	-۳۰	-۳۶۰	۲۶	۲۱۵	۴۷۴
تعداد شاغلین	هزار نفر	۲۰۵۱۰	۲۰۶۲۸	۲۱۳۴۶	۲۱۳۰۴	۲۱۹۷۲	۲۲۵۸۸
تغییرات سالانه	هزار نفر	۱۴۷-	۱۱۸	۷۱۸	-۴۲	۶۶۸	۶۱۶
سهم زنان از اشتغال جدید	درصد	۲۱۷	۲۶۱.۹	-۴۲.۱	۱۰۷.۱	۵۴	۶۸.۲
سهم مردان از اشتغال جدید	درصد	-۱۱۷	-۱۶۲	۱۴۲	-۷	۴۶	۳۲
نرخ مشارکت نیروی کار	درصد	۳۶.۹	۳۷.۴	۳۷.۶	۳۷.۲	۳۸.۲	۳۹.۴
نرخ بیکاری	درصد	۱۲.۳	۱۲.۱	۱۰.۴	۱۰.۶	۱۱	۱۲.۴
نرخ بیکاری جوانان ۱۵-۲۹ سال	درصد	۲۴	۲۴.۴	۲۱.۲	۲۱.۹	۲۳.۳	۲۵.۹

ماخذ: مرکز آمار ایران- چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار

### اشتغال یا نظام کارآفرینی؛ مسأله این است!

این روزها بیش از همه چیز گوشمان از مسأله اساسی کشور پر شده است. روزنامه ها، تلویزیون، رادیو و رسانه های دیگر عزم جدی ای بر شفاف سازی مطالبات مردمی از نقطه نظر بیکاری دارند. اما بنابر همزمانی این موضوع با روی کار آمدن دولت جدید (معرفی کابینه برای کشورداری)، اساساً بر زبان آوردن مسأله اشتغال، چقدر می تواند به فهم مسأله یاری رساند؟ تا چه میزان این مسأله ریشه در حقیقت دارد و به گمراهی دولت ها منجر نمی شود؟ آیا برجسته سازی و یا به تعبیر اصحاب رسانه agenda setting در موضوع بیکاری، روح و جسم مسأله را به خوبی درک کرده یا خود اسیر گفته ها و شنیده های گروه های مردمی یا مرجع است؟ میلیون میلیون تولید شغل، آیا راه حل مواجهه با این مسأله محسوب میشود؟

طرح تمام سؤالات فوق ما را به این وامی دارد که صورت بندی مسأله گام بزرگی در جهت پاسخ هوشمندانه و آینده نگرانه به معضلات ملی است. چگونه شغل آفرینی که معلول و زنجیره انتهایی نظام کارآفرینی کشور است، می تواند مسأله یک کشور هشتاد میلیون نفری با منابع غنی سرزمینی محسوب شود؟؟ آیا می توانیم با ایجاد راهکارها و اعمال تغییرات بر روی معلول ها، به پاسخ پایدار و آینده نگرانه دست یافت؟؟

آیا اشتغال موجودی است که قادر باشیم آن را در وزارت کار یا وزارت اقتصاد یا وزارت علوم یا وزارت صنعت و ... بیابیم و آن را منبسط نماییم؟؟

تا زمانی که در افکار عوام، خواص، سیستم های اجرایی، دستگاه های قانون گذاری و حتی بدنه قضایی کشور یک نگاه غیرعلمی حاکم باشد، مسأله نبود شغل علت العلل معضلات کشور محسوب می شود. در چنین فضای تاریکی، راهکارها و انتظاراتی بیش از اجبار شدن وزارت نفت یا سایر دستگاه های اجرایی کشور برای استخدام هر چه بیشتر متصور نخواهد بود و به بزرگ شدن دولت ها کمک می شود. با این نوع دیدگاه، سازوکارهای توسعه و رونق کسب و کارهای کوچک و

متوسط (SME) که احتمالاً شاکله اشتغال کشور را پی‌ریزی می‌نماید، مغفول می‌ماند... با تأملی بر داستان فیل از ادبیات مولانا، دیدن بخش یا حلقه ای از زنجیره و نظام مسائل مرتبط با کارآفرینی، تحریکی در بازار نیروی کار ایجاد نکرده و فقط بازی دولتمردان با معلولها را تضمین می‌نماید...

نظام کارآفرینی کشور زنجیره ای از عوامل کلیدی اقتصادی، آموزشی و مهارت، کسب و کار، مدیریت، بازار و دهها مورد اساسی دیگر است که بایستی به صورت بسته ای و نظام مند (سیستماتیک) بدان نگریسته شود. با این تفکر می‌توان عارضه اصلی را به درستی تشخیص داده و نهایتاً راهکارهای یکپارچه شونده ای برای آن مقدر نمود. در این میان نقش تمامی بازیگران اعم از بانکها، وزارت خانه ها، دستگاه‌های قانون‌گذاری، سیستم قضایی و جامعه کسب و کار ایران تبیین و شفاف گردیده و همه به عنوان جهادگرانی تلقی می‌شوند که ضمانتهای اجرایی و ارزیابی راهکارها را واجب می‌دانند. این فضای ثبات، همگان را به توسعه کارآفرینی برمحور قواعد مستحکم و متقن فرامی‌خواند و تلاش‌های مجدانه غیرهوشمند را اصلاح خواهد کرد.

حال اشتغال در میان آمارهای ناشی از دیدگاه پیشین، تا چه اندازه فی نفسه مهم و اساسی به شمار می‌رود؟؟؟ گمشده ای که معلول انتهایی نظام کارآفرینی کشور است و از بی خانوادگی خود در سایه بازاریابی سیاسی رنج می‌برد. به امید تفکر سیستمی و آینده‌نگرانه برای تشخیص صحیح مسائل کشور!

احمد برومند \_ پژوهشگر اندیشگاه تدبیر فردا